

به نام خدا

چیستی جهانی شدن

مؤلف :

دکتر سیده مطهره حسینی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۴۰۱

سرشناسه : حسینی، سیده‌مطهره، ۱۳۵۸ -
Hosseini, Seyedeh Motahareh, ۱۹۸۰ -
عنوان و نام پدیدآور: چیستی جهانی شدن / سیده‌مطهره حسینی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۶۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۳۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۵ - ۱۶۴.
موضوع: جهانی شدن
Globalization
جهانی شدن -- ایران
Globalization -- Iran
رده بندی کنگره: JZ۱۳۱۸
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۷
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۷۸۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: چیستی جهانی شدن
مؤلف: دکتر سیده مطهره حسینی ma_hoseyni@pnu.ac.ir
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
چاپ: مدیران
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۳۴-۷
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۷	پیشگفتار مولف
۹	فصل اول : کلیات
۱۱	مقدمه
۱۳	تعریف جهانی شدن
۱۷	اهداف
۱۹	فصل دوم : پیشینه
۲۱	مقدمه
۲۹	نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن
۳۷	فصل سوم : چهارچوب نظری
۳۹	مقدمه
۳۹	دسته یکم: منکران جهانی شدن
۴۲	دسته دوم: مخالفان جهانی شدن
۴۲	الف: مخالفت با جهانی شدن به خاطر آسیب و زیان‌های آن
۴۶	ب: مخالفت پایه‌ای با اصل موضوع جهانی شدن
۴۹	ج: مکتب فرانسه
۵۴	دسته سوم: موافقان جهانی شدن
۶۳	ارزیابی و نتیجه‌گیری

فصل چهارم: جهانی شدن: پروژه یا پروسه	۶۷
مقدمه	۶۹
۱- پروژه جهانی شدن	۷۰
۱-۱- مخالفان پروژه جهانی شدن	۷۱
الف- چپگرایان:	۷۱
ب- مکتب فرانسه:	۷۴
پ- جهان اسلام:	۷۵
دین و جهانی شدن	۷۹
۱-۲- موافقان پروژه جهانی شدن	۸۹
۲- پروسه جهانی شدن	۹۱
۱-۲- موافقان پروسه جهانی شدن	۹۱
۲-۲- منتقدان و مخالفان پروسه جهانی شدن	۹۵
۳- نتیجه گیری و آزمون فرضیه: جهانی شدن پروسه‌ای- پروژه‌ای	۱۰۲
فصل پنجم: ایران و جهانی شدن	۱۱۳
مقدمه	۱۱۵
ج.ا. ایران و جهانی شدن در جنبه‌های گوناگون	۱۱۶
ج.ا. ایران و جهانی شدن اقتصاد	۱۱۶
رشد بازارهای مالی	۱۱۷
حضور گسترده شرکت‌های چند ملیتی در منطقه	۱۱۸
پایان جنگ سرد	۱۱۸
انقلاب ارتباطات	۱۱۹
ج.ا. ایران و جهانی شدن فرهنگ	۱۲۰
سنت‌ها در جریان جهانی شدن	۱۲۲
ج.ا. ایران و جهانی شدن سیاست بین الملل	۱۲۳

تهدیدهای جهانی شدن برای ج.ا.ایران	۱۲۶
تهدیدها	۱۲۶
فرصت‌ها	۱۲۶
جهانی شدن و حوزه سیاستگذاری ایران	۱۲۸
آسیب‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر پدیده جهانی شدن	۱۳۱
نبود ساختار سیاسی متناسب با جهانی شدن	۱۳۳
پذیرش نقش بازیگران غیر دولتی در عرصه بین‌المللی	۱۳۴
سخن آخر	۱۳۷
منابع و ماخذ	۱۴۵
منابع فصل یکم	۱۴۵
منابع فصل دوم	۱۴۶
منابع فصل سوم	۱۴۹
منابع فصل چهارم	۱۵۴
منابع فصل پنجم	۱۵۸

پیشگفتار مولف

«چیستی جهانی شدن» بخش نظری و پایه‌ای شبکه برنامه پژوهشی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی با عنوان «جهانی شدن» بود که در دهه ۱۳۹۰ انجام دادم و به مطالعه نظریه‌های جهانی شدن با محوریت پروسه‌ای (فرایندی) یا پروژه‌ای (طرحواره) بودن، می‌پردازد. در این پژوهش نظریه‌های گوناگون جهانی شدن و آرای اندیشمندان گوناگونی که با تخصص جهانی شدن به این بحث پرداخته یا در میان آرای خود به آن اشاره داشته‌اند بررسی شده و کوشیده‌ام دسته‌بندی نظری ارائه شود که همه این نظریه‌ها را در بر بگیرد و همچنین به مهمترین نظریه‌ها و نظریه پردازان اشاره مستقیم کند. از این رو منابع گوناگون به زبان‌های فارسی و لاتین بررسی شده و منابع کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی گوناگون به ویژه کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه ملی ایران که جامع همه آثار چاپی در ایران هستند به صورت دقیق مطالعه شده، از آن میان دسته‌های نظری مرتبط و ارزشمند استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند.

بخش‌های دیگر این شبکه برنامه با محوریت «جهانی شدن و مطالعات ایران» تدوین شده و مباحث مربوط به دولت، حاکمیت ملی، اقوام، دولت‌های رانتهی و جنبش‌ها در عصر جهانی شدن را بررسی می‌کند. پژوهش چیستی جهانی شدن کوشیده است نظریه‌های پایه‌ای را بررسی کند که راه را برای بررسی هر یک از این موضوع‌ها باز می‌کنند. بدین

منظور از آرای استادان گرانقدر دکتر جهانگیر معینی علمداری، دکتر حمیرا مشیرزاده و دکتر سید جواد صالحی بهره مند شده، آرای آنان را در چارچوب بندی و پیشبرد پژوهش به کار بردیم.

لازم به توضیح است که بررسی چیستی جهانی شدن به عنوان موضوعی مستقل مورد توجه قرار نگرفته و گاه در برخی از آثار مربوط به جهانی شدن به بحث چیستی جهانی شدن و نظریه‌های گوناگون جهانی شدن پرداخته شده است. از این رو، برای استخراج این نظریه‌ها و بررسی آنها لازم بود آثار گوناگون مربوط به نظریه پردازان در حوزه‌های گوناگون مطالعه شده و مبنای نظری و نوع نگرش آنها استحصال شود. با توجه به ادامه بحث و نظر درباره جهانی شدن، چاپ این پژوهش که مبانی اصلی جهانی شدن را می‌کاود خالی از لطف به نظر نمی‌رسد و با توجه به عمیق تر شدن برخوردهای جهانی، کاوش درباره ریشه های جهانی شدن، هنوز هم یک مسئله اصلی و اساسی به نظر می‌رسد. امید است این اثر به درک ریشه ای چالش جهانی شدن کمک کند.



فصل اول

کلیات

مقدمه

قرن بیستم، سده انقلاب‌های بزرگ است. پیروزی انقلاب روسیه در ۱۹۱۷، چین در ۱۹۴۹ و انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، از رخداد‌های این سده پرماجرا است. این سه انقلاب، همگی دارای پیامی جهانی بوده‌اند. انقلاب چین و روسیه کارگران جهان را به اتحاد فراخواند و انقلاب ایران در پایان سده‌ای بی‌خدا، انسان‌ها، به‌ویژه مسلمانان را به بازگشت به کرامت انسانی و دین دعوت کرد. تأثیر این انقلاب در اتحاد مسلمانان و همگرایی بین پیروان ادیان الهی که آرمان‌هایی جهانی دارند، اندک نبوده است. هر سه انقلاب دست کم در بخشی از زمان به صدور ارزش‌های خود اندیشیده‌اند و به تقلید از آنها، انقلاب‌هایی در گوشه و کنار جهان روی داده است.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای این انقلاب‌ها، همگانی شدن برخی مفاهیم، ساختارها، رویکردها و دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و نهادها در جوامعی که از آن تأثیر پذیرفته‌اند، بوده است. گسترش پیام انقلاب‌های سده بیستم در قالب نظام‌های سیاسی تقریباً یکسان در کشورها و قاره‌های گوناگون متجلی شد. این نظام‌های سیاسی، دارای ساختارها و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فناورانه مشابهی بودند. از این فرایند به طور کلی با نام جهانی شدن یاد می‌شود.

امروزه جهانی شدن مقوله‌ای کلی در عرصه‌های جهانی و ملی است و به عنوان واقعیتی

ملموس، مطرح شده و پرسش‌ها و دشواری‌های گوناگونی را برانگیخته است. جهانی شدن به دلایل چندی در دوره‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت و سپس بحث درباره این مقوله از رونق افتاد. اینک مبحث جهانی شدن در قالب‌های دیگر - همچون مباحث نوامپریالیسم و توسعه - و یا در درون مباحث مهم روز همچون گسترش نظم جهانی یک، دو یا چند قطبی به دورترین مرزهای کره خاکی بسیار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این میان، چیستی جهانی شدن نقطه آغازین و به نوعی نقطه جهت دهنده به مباحث است. اینکه پژوهشگر چه تعریفی از روند و هدف جهانی شدن دارد، چارچوب مطالعات نیز بر آن بنا می‌شود.

برای شناخت کارکردها، ویژگی‌ها، معایب و محاسن، و سایر پیامدها و ویژگی‌های جهانی شدن، پیش از هر چیز باید به این پرسش پاسخ داده شود که اصولاً جهانی شدن چیست؟ چه اتفاقی در دنیای معاصر افتاده است که از آن با نام جهانی شدن یاد می‌شود؟ دنیای جهانی شده امروز چه تفاوت‌هایی با دنیای جهانی نشده پیش از آن دارد؟ به سخن دیگر جهانی شدن و جهانی نشدن چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟ در پژوهش حاضر پس از بررسی تعریف‌های جهانی شدن، نظریه‌های جهانی شدن نیز آورده شده و دسته بندی گردیده است تا چارچوب‌ها و کم و کیف آن مشخص شود.

در آثار گوناگون به شیوه‌های گوناگونی به مبحث ماهیت و چیستی جهانی شدن پرداخته شده است. از میان نوشته‌های لاتین و فارسی درباره جهانی شدن که در دسترس است آثاری که صرفاً درباره ماهیت و سیر ایجاد جهانی شدن باشد بسیار کمتر از آثاری است که درباره سایر جنبه‌های جهانی شدن بحث کرده‌اند و حتی باید گفت انگشت شمار هستند. برخی از کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که درباره جهانی شدن تحقیق کرده‌اند در ابتدا ماهیت و سیر آغازین جهانی شدن و چگونگی تولد این واژه را بررسی کرده‌اند که در این پژوهش تلاش شده است کتابشناسی جامعی از آثاری که درباره چیستی جهانی شدن بحث کرده‌اند، به دست داده شود.

تعریف جهانی شدن

کلمه globe در زبان انگلیسی به معنای جسم کره‌ای و گرد، کره زمین و مسایل مربوط به زمین، و کای یا جهان شمول است (Oxford Dictionary) و پسوند ization زمانی بکار می‌رود که یک فرایند دگرگونی اساسی در حال انجام باشد (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳). بنابراین کلمه Globalization که در زبان فارسی به جهانی شدن ترجمه شده است به معنای دربرگیرنده همه کره زمین^۱ می‌باشد. از این جهت، واژه گلوبال با یونیورسال تفاوت دارد. یونیورسال به معنای جهانی و جهانی بودن^۲ است. به نظر می‌رسد دانش واژه جهانی شدن ترجمه واژه فرانسوی Mondalisation باشد (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۳۱) که دقیقاً به معنای جهانی شدن است (Larousse Dicionare) و سپس واژه انگلیسی Globalization را در برابر این دانش واژه و مفهوم محتوایی آن قرار داده‌اند. در ادامه به ارائه نظریات مختلف اندیشمندان در این خصوص خواهیم پرداخت اما تعریفی که مد نظر نگارنده قرار گرفته، تعریفی است که از سوی راجر اسکراتن ارائه شده است: «جهانی شدن یعنی انتقال قدرت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی به سازمانهای جهانی؛ یعنی سازمان‌هایی که در محدوده حاکمیت حقوقی شخصی قرار ندارند و قوانین سرزمینی خاصی بر آنها حاکم نیست.

استفاده از واژه جهانی شدن از سال ۱۹۴۴ آغاز شد (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹) اما کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به معنای سیاسی- اجتماعی فعلی به دو کتابی بر می‌گردد که به وسیله مک لوهان و برژینسکی نوشته شدند. کتاب نخست، «جنگ و صلح در دهکده جهانی»، نوشته مارشال مک‌لوهان و کتاب دوم، «دشمن زدایی همیشگی: سیاست در شوروی توتالیتار»^۳ نوشته برژینسکی (Brzezinski, 1956)، مسؤؤل سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود. مباحث کتاب نخست، پیرامون پیشرفت وسایل ارتباطی و نقش آن در تبدیل جهان به دهکده واحد جهانی، متمرکز بود. در حالی که

1. Global: Relating ti all World (Oxford Dictionary)

2. Evrything that exist, espicialy all physical matters, including all the stars, planets, galaxies, etc in space. The world or the world that you are familiar with (Oxford Dictionary)

3. Brzezinski, Zbigniew. The Permanent Purge: Politics in Soviet Totalitarianism, Cambridge: Harvard University Press (1956).

کتاب دوم، در مورد نقش امریکا در رهبری جهان و آرایه مدل جامعه مدرن صحبت می‌کرد (مالک، ۱۳۸۴). اقتصاد دانان به عنوان اصلی‌ترین سکان دار مباحث جهانی شدن نیز از سال ۱۹۸۱ از این مفهوم استفاده کردند (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹) و (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰-۱۱). مالکم واترز، پژوهشگر جهانی شدن حتی مدعی شده است که همچنان که مفهوم چیره دهه ۱۹۸۰، پست مدرنیسم بود، جهانی شدن مفهوم چیره دهه ۱۹۹۰ است (آشناگر، ۱۳۸۸: ۴).

جهانی شدن، واژه‌ای رایج در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم بود که به‌عنوان دگرگونی فرایند گونه‌ای پنداشته می‌شد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر رفته و علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز در بر می‌گیرد. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و قابل تسری به جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری و همچنین عرصه‌های دیگری چون محیط‌زیست است. ریچارد لنگورن در کتاب خود به نام «بر آمدن جهانی شدن» به بررسی سیر جهانی شدن و چگونگی برآمدن آن می‌پردازد و در کل کتاب نشان می‌دهد که جهانی شدن یک سیر تدریجی و پیش رونده بوده و هست که نخستین جرقه‌های ایجاد آن را باید در تولد مدرنیته در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی جست (Langhorne, 2001: 25).

از نظر تاریخی، جهان از مراحل گوناگونی عبور کرده است تا به شرایط کنونی دگرگونی جهانی رسیده است. مرحله نخست، مرحله امپراتوری‌های کهن است که ابعاد جهانی شدن در حوزه سرزمینی و تا حدودی سیاسی و تجاری در آنها قابل مشاهده است. مرحله دوم در اروپای قرون وسطی و تقسیم قدرت در امپراتوری‌های آن زمان همچون امپراتوری بریتانیا، فرانسه و امپراتوری مقدس پدید آمد.

مرحله سوم، دوره پیدایش پادشاهی‌های مطلقه در فاصله قرون پانزدهم تا هجدهم در اروپا است. از آن زمان ضرورت پیداش «نظام بین دولتی» پدید آمد. این نظام نخستین گام بسوی بهم پیوستگی و بروز همسانی در شکل و ماهیت روابط بین کشورها است که از اروپا آغاز می‌شود و به دیگر کشورها گسترش می‌یابد. چهارمین مرحله، شکل‌گیری «جامعه دول اروپایی» است که قرون ۱۸ و ۱۹ را شامل می‌شود و تا نیمه سده بیستم ادامه یافت. در این دوره حقوق بین الملل و روابط بین الملل امروزی پایه ریزی شد. در مرحله پنجم

تحولاتی پدید آمد که زیرساخت‌های لازم برای جهانی‌شدن را فراهم ساخت. جهانی‌شدن ارتباطات و جهانی‌شدن اقتصاد نخستین نمود این تحولات بود. در این دوران مدل‌های حکومتی غیراروپایی به تدریج از صحنه خارج شد و خصوصیات نظام‌های دولتی مدرن به شرح زیر جایگزین آنها می‌شد: تمرکزگرایی در قدرت سیاسی، گسترش و بسط نظام اجرایی دولت، گسترش و فراگیری نظام دیپلماسی، موازنه قوای نظامی، و نظام آموزشی مدرن. همه این کارکردها در بستر نظام اقتصادی با محوریت کشورهای توسعه یافته عموماً غربی بودند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۲).

مرحله نهایی جهانی‌شدن، جافتادن الگوی دولت‌های مدرن (لیبرال-دمکراسی‌ها) و یک نظم جهانی مبتنی بر آن است در این آخرین گام برای جهانی‌شدن، دولت‌های لیبرال دمکراتیک غربی به عنوان نمونه‌ای آرمانی از دولت مدرن مطرح شدند و نظمی جهانی که محوریت آن با نهادها و ارزش‌های دول توسعه یافته بود، پدیدار شد (دهشیار، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۳).

یان آرت شولته در پاسخ به این پرسش‌ها که جهانی‌شدن چیست؟ کی ایجاد شد و گسترش یافت؟ جهانی‌شدن چرا رخ داد و چگونه موجب تغییرات اجتماعی شد؟ به «صف طویل و عریض ادعاها و ضد ادعاها» درباب جهانی‌شدن (نش، ۱۳۸۴: ۸۰-۱۱۰) اشاره می‌کند. شولته نظریه‌های جهانی‌شدن چنین خلاصه می‌کند: برخی روابط جهانی^۱ و روابط بین‌الملل^۲ را یکی می‌دانند، درحالی‌که دیگران بر تفاوت میان این دو مفهوم تاکید دارند. درباره معیار و مقیاس جهانی‌شدن، برخی تحلیل‌گران جهانی‌شدن را به عنوان حقیقت جاری و ساری در جوامع کنونی می‌بینند در حالی‌که دیگران مبحث جهانی‌شدن را خیال پردازی و توهمات می‌دانند و اهمیتی برای آن قائل نیستند. درباره گاهشمار جهانی‌شدن، برخی می‌گویند جهانی‌شدن از دستاوردهای متاخر است اما دیگران ردپای آن را در تاریخ دنبال کرده‌اند.

اما اگر بخواهیم تعریف جهانی‌شدن را ارائه کنیم باید بگوییم جهانی‌شدن مجموعه‌ای

1. Global Relations

2. International Relations

از این شرایط و ویژگی‌ها است. به سخن دیگر، در جهانی شدن هم شاهد کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی در برخی مناطق و در برخی شرایط هستیم و هم گسترش ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غرب محورانه را شاهدیم (Scholte, 2000: 42-49). گرچه در پایان نمی‌توان تعریف جامع و مانعی از جهانی شدن ارائه کرد (پاکزاد، ۱۳۸۳: ۵) و همچنان مشکل مفهومی در اینجا وجود دارد چرا که شاید یک تعریف از یک منظر رسا باشد اما از سوی دیگر مبهم. بنابراین هراندیشمندی در این حوزه طبق رویکرد خود به مفهوم شناسی می‌پردازد از این رو دستیابی به یک تعریف عام کاری بسیار دشوار خواهد بود. آنچه حائز اهمیت است اذعان به این مسئله است که با توجه به گستردگی پژوهش‌های انجام شده در این خصوص و همچنین، ارائه نظریه‌های گوناگون در تعریف و بیان ویژگی‌های جهانی شدن، کماکان مشکل فهم درست و دقیق این مفهوم وجود دارد. بنابراین ممکن است این تعریف و تبیین‌ها از نظر برخی کامل و رسا باشد در حالی که از نظر برخی دیگر دارای ابهام و نقص است. چرا که جهانی شدن به خاطر آنکه تغییر و تحول را درون خود دارد، در بستری از تعاریف گوناگون حرکت می‌کند. از این رو، هر اندیشمندی بنا بر رویکرد خاص خود، نسبت به این مسئله نظریه پردازی کرده است. بر این اساس، یک مارکسیست رویکرد ویژه خود را به جهانی شدن دارد و اصول اساسی اندیشه مارکسیستی مانند ارزش اضافی و جایگاه طبقه کارگر در تعریف‌های او سازنده است. بر خلاف او، یک ساختارگرا رویکرد ساختارگرایانه به مبحث جهانی شدن دارد و اندیشمندان گروه‌های نظری دیگر مانند پسا مدرن، نو واقع گرا و ... رویکردهای برخاسته از چارچوب فکری و نظری خود را به این بحث دارند. هر یک از این دسته‌های نظری ممکن است به جهانی شدن به عنوان یک فرایند بنگرند و بنابراین نگاهی که به آن دارند متفاوت از نگرش اندیشمندی است که این موضوع را یک طرح و پروژه می‌داند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

آیا جهانی شدن، ماهیتی خودجوش و حالت خود پیش رونده (حالت فرایندی) دارد یا، برعکس، نظریه‌های گوناگون جهانی شدن بر ویژگی‌های دال بر هدایت شوندگی و ساختگی بودن آن (طرح/پروژه بودن جهانی شدن) دلالت می‌کنند؟

ویژگی‌های طرحواره‌ای (پروژه‌ای) و فرایندی (پروژه‌ای) جهانی شدن در نظریه‌های

گوناگون به چه صورت تبیین شده است؟ ویژگی‌های پروژه‌های و پروسه‌ای جهانی شدن چه می‌باشند؟ موقعیت ایران در عصر جهانی شدن با توجه به نظریات جهانی شدن چگونه خواهد بود؟

پاسخ به دو پرسش نخستین در قالب این فرضیه اصلی میسر است:

چیستی جهانی شدن (به معنای چه بودگی آن در آرای گوناگون اندیشه پردازان جهانی شدن)، فرآیندی جاری و تاریخی (پروسه‌ای) پنداشته می‌شود که سیاست‌های طراحی شده (پروژه‌ای) در جهت گیری و چیستی آن تاثیر بنیادینی داشته‌اند.

فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش سوم تدوین شده، بیان می‌دارد که ج.ا.ا. در برابر پروسه جهانی شدن از فرصت‌هایی خاص برخوردار است و در برابر پروژه جهانی شدن با تهدیداتی مواجه است.

اهداف

از آنجا که فرض پژوهشگر بر آن است که طرحنامه بایستی اهداف پیش‌بینی شده در شبکه برنامه را پیش ببرد لذا بر اساس شبکه برنامه گروه علوم سیاسی، اهداف طرح چیستی جهانی شدن بدین شرح‌اند:

- ۱ - تبیین چه بودگی جهانی شدن بر اساس نظریات ارایه شده درباره چیستی جهانی شدن به منظور ارایه تعریف مفهومی صحیح از این مقوله
- ۲ - استخراج مبادی پروسه (فرآیندی) و مبانی پروژه‌ای جهانی شدن
- ۳ - بررسی موقعیت ایران در عصر جهانی شدن



فصل دوم

پیشینه

